



## گفت و گوی روزنامه صبا با برگزیدگان نهایی جایزه ادبی جلال آل احمد

# سنگ محکی برای ارزیابی ادبیات ایران

سمیه خاتونی  
گفت و گو

اختتامیه هفدهمین دوره جایزه ادبی جلال آل احمد، چهارشنبه سوم بهمن ماه در تالار کتابخانه ملی برگزار شد و برگزیدگان و شایستگان تقدیر را در ۴ بخش معرفی کرد. در بخش مستندنگاری، کتاب «خاک کارخانه؛ پارچه های ناتمام چیت سازی به شهر و سرگذشت آخرین کارگران» نوشته شیوا خادمی از نشر اطراف شایسته تقدیر دانسته شد. در بخش نقد ادبی، کتاب «دیرش رویی» نوشته بهمن نامور مطلق از نشر سخن به عنوان اثر شایسته تقدیر معرفی شد. در بخش داستان کوتاه، کتاب «آن پری زاد سبز پوش» نوشته صمد طاهری از نشر نیماژ برگزیده شد و کتاب «پرنده باز تهران» نوشته نادر رسولی از انتشارات هیلا شایسته تقدیر شناخته شد. در بخش داستان بلند و رمان، کتاب «سنگ اقبال» نوشته مجید قیصری از نشر چشمه برگزیده شد و کتاب های «دختران قبیله جنگ» نوشته جواد افهمی از انتشارات خط مقدم و «دم اسبی» نوشته رامبد خانلری از نشر بان شایسته تقدیر شناخته شدند. در ادامه روزنامه صبا، با مجید قیصری (رمان برگزیده) رامبد خانلری (رمان شایسته تقدیر) و صمد تهرانی (برگزیده بخش داستان) گفت و گویی داشت که در ادامه می خوانید.

### مجید قیصری، برگزیده بخش رمان با اثر «سنگ اقبال»: ترسی که در ناخود آگاه همه ما وجود دارد

در ابتدا درباره موضوع رمان خود و از ساختار روایی اثر بگوئید؟

داستان سنگ اقبال درباره بحران آب است. البته بحران آب لایه اول داستان است و لایه های بعدی در خرافات و باورها تنبیه می شود. البته خواننده تیزبین می تواند لایه های دیگری چون اسطوره ها، اساطیر و افسانه ها را نیز از اثر خوانش کند.

چه دغدغه ای سبب شد تا شما این رمان را به رشته نگارش و تحریر در بیاورید؟

توجه به مسئله خشکسالی و اهمیت دادن به آب بوده است. بیشتر مناطق کشور ما دچار مشکل کم آبی هستند. این رمان به گذشته ما نیز نظر دارد و روستایی را نشان می دهد که مردمش وقتی با کم شدن نزولات آسمانی مواجه می شوند برای بقا متوسل ابتکارهای زیادی می شوند و به انواع جادوها هم توسل می جویند. البته رویکرد کتاب تنها به مسئله آب خلاصه نشده بلکه موضوع اصلی مراسمی است که اهالی روستا برای برطرف کردن مشکل خود به کار می برند.

زمان و مکان روایت شما، گویای چه دوره و در چه

### جغرافیایی است؟

این داستان در ناکجا آباد روایت شده تا چندان تاریخ مند و جغرافیامند نباشد. تلاش کرده ام که بیان شود مشکل آب همیشه در طول تاریخ مسئله ما بوده و دعای «خداوندا ما را از دشمن و دروغ و خشکسالی نجات بخش» نشان می دهد که ترس از خشکسالی در ناخود آگاه جمعی همه ما وجود دارد. می توانستم طبس، یزد، اصفهان یا هر شهر دیگری از منطقه کویر را به عنوان مکان رمان انتخاب کنم ولی استفاده از ناکجا آبادی به نام چار دیوار برای جدا شدن از یک جغرافیا یا تاریخ مشخص بوده است.

### رویکرد جایزه جلال در طول سالهای برگزاری آن را چگونه ارزیابی می کنید؟

جلال، از معدود جشنواره هایی است که توانسته با پشت سر گذاشتن ۱۷ دوره برای خود سابقه ای کسب کند که همین قابل تقدیر است. در این جایزه چندین رمان و داستان کوتاه به عنوان اثر برگزیده و قابل تقدیر معرفی می شوند و همین می تواند سنگ محکی باشد برای ارزیابی ادبیات کشورمان و نیز راهگشا برای کسانی که قصد دارند سیر مطالعاتی داشته باشند و یا به رصد جامعه خود بر اساس ادبیات کشورمان بپردازند.

### چه پیشنهادی برای بهتر برگزار شدن این رویداد دارید؟

بهتر است جایزه جلال هیئت علمی های ۴ ساله داشته باشد تا این هیئت بتواند با حفظ رابطه خود با دبیرخانه این جشنواره، کیفیت و کمیت آثار و جریان ادبی را در طول چند سال بررسی کنند. مشکل اصلی کتاب، تیراژ پایین آن است که ارتباطی به جایزه جلال ندارد، باید مشکلات اقتصادی مردم حل شود تا بتوانند محصولات فرهنگی چون کتاب و... تهیه کنند.

### زمانی که متوجه شدید برای دومین بار برگزیده جایزه ادبی جلال شده اید چه حسی داشتید؟

برگزیده شدن در جایزه برای من حس ارزشمندی داشت با اینکه قبلاً با اثر «نگهبان تاریکی» جایزه جلال بردم. اما اینکه احساس کردم که داوران زحمت می کشند، و آثار زیادی را مطالعه می کنند، تا اثر برگزیده را انتخاب کنند قابل ستایش است. همین که اثر در سطح جامعه دیده شود و جای خود را میان آثار حفظ کند، برای من باارزش و قابل تقدیر است.

### نظرتان راجع به برگزاری مراسم اختتامیه نسبت به سالهای گذشته چه بود؟

چهار سال پیش هم شاهد برگزاری این رویداد بودم، امسال به نسبت سالهای گذشته مراسم رسمی تر بود و حضور پرنسپال رسانه ها؛ تلویزیون، دوربین های صدا و سیما و همچنین رسانه های دیگر چون مطبوعات و رادیو و اهالی قلم حس می شد که به صورت وسیعی مراسم را پوشش داده میدادند. فرم اختتامیه نسبت به دوره های قبل حرفه ای تر بود، تنها بخشی که مربوط بود به تجلیل آقای گلعلی بابایی

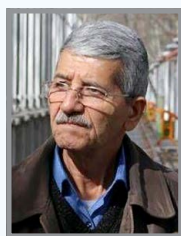
بود، زمان زیادی را به خود اختصاص داد. سخنرانی جناب وزیر، دکتر صالحی بسیار پر مغز و پر محتوا بود و نظر کارشناسانه درست و جامعی را نسبت به ادبیات ملی مطرح کردند و شاهد بودیم. دیگر امتیاز این دوره این بود که بالاخره برگزیده داشت در صورتی که در دوره های قبل گویا بنا بر این بود که این رویداد برگزیده نداشته باشد و بهر حال این سنت در این دوره شکسته شد و امید دارم در سالهای بعد همیشه همین شکل ادامه داشته باشد، چرا که بهر حال اثری در مقایسه با آثار دیگر شایسته برگزیده شدن هست. و تنها ای کاش فرصتی به اندازه یک دقیقه هم که شده به برگزیدگان می دادند تا آنها نیز دیدگاه خود را درباره نگارش اثر و با هر حرفی که لازم بود شنیده و گفته شود، مطرح کنند. چرا که حیف است جمعی از این نویسندگان در حضور وزیر و مسئولان نشر کتاب یکجا جمع شوند و کلامی بین آنها رد و بدل نشود. و صدای نویسنده خاموش باشد و کاش حداقل یک فرصت یک دقیقه ای را به برگزیده ها برای صحبت می دادند.

### صمد طاهری، برگزیده بخش داستان با مجموعه داستان «آن پری زاد سبز پوش»

#### تمرکز جشنواره ها روی نویسندگان جوان باشد

در ابتدا درباره ساختار و مجموعه داستان برگزیده خود در جایزه ادبی جلال بگوئید.

کتاب «آن پری زاد سبز پوش»، شامل ۹ داستان کوتاه و ۲ نمایشنامه تک پرده است. داستان ها بین سال های ۱۳۹۹ تا ۱۴۰۱ نوشته شده اند و آن ۲ نمایشنامه در واقع جزو کارهای کلاسی من است که در سال ۶۳ نوشته بودم و از بین ۶ نمایشنامه این دورا جهت انتشار شایسته دیدم.



### فرایند نوشتن برای شما چگونه است؟

فرایند نوشتن من به این شکل است که وقتی چیزی در ذهنم نطفه می بندد، که ممکن است با شنیدن ماجرای یا حتی جمله ای یا دیدن فیلمی خبری یا مستندی یا داستانی یا دیدن حادثه ای یا... به وجود آمده باشد، روزهای متوالی به آن فکر می کنم و به مرور با تخیلی که زندگی زیسته ام آن را پرورده، به دور آن نطفه آدمها و ماجراهایی تنیده می شود تا زمانی که احساس کنم آن داستان یک شکل کلی تقریبی پیدا کرده. بعد شروع به نوشتن می کنم. هر شب یک صفحه می نویسم و چند روز به آن صفحه و صفحه بعدی که باید نوشته شود فکر می کنم و سپس صفحه بعدی را می نویسم و این روند چند هفته ادامه می یابد تا زمانی که داستان به پایان برسد. نوشته را کناری می گذارم و به کتاب خواندن و کارهای دیگرم می پردازم تا چند ماهی بگذرد، بعد آن نوشته را بیرون می آورم و می خوانم و شروع به اصلاح و جرح و تعدیلش می کنم تا وقتی